

ابعاد جنسیتی بحران آب در ایران:

پیامدها برای سلامت، معیشت و امنیت زنان

زنان ایران چگونه بار سنگین بحران را به دوش می‌کشند؟



کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران

مهر
۱۴۰۴

فهرست مطالب

۲	۱. مقدمه
۲	۲. تصویری از بحران
۴	۳. رنجی که برای زنان مضاعف است
۸	۴. فروپاشی کشاورزی و ناامنی غذایی
۸	۵. افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی
۱۰	۶. تهدید سلامت عمومی و شیوع بیماری‌ها
۱۱	۷. زنان در صف اول اعتراضات مردمی
۱۱	۸. کلام آخر
۱۲	۹. ضمائم (ابعاد بحران آب در ایران)

ابعاد جنسیتی بحران آب در ایران: پیامدها برای سلامت، معیشت و امنیت زنان

حق طبع و انتشار محفوظ و متعلق به کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران می‌باشد.
چاپ و انتشار این گزارش و یا بخش‌هایی از آن با اجازه قبلی و یا ذکر منبع مجاز است.
از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران - مهر ماه ۱۴۰۴

ISBN: 978-2-35822-042-2

ابعاد جنسیتی بحران آب در ایران: پیامدها برای سلامت، معیشت و امنیت زنان

زنان ایران چگونه بار سنگین بحران را به دوش می‌کشند

۱. مقدمه

بحران آب در ایران، فراتر از یک چالش طبیعی، به یک فاجعه انسانی، زیست‌محیطی و اقتصادی مبدل شده است. این بحران در ظاهر با کاهش بارش و خشکسالی آغاز شد، اما ریشه‌ی عمیق و مخرب تر آن را باید در فساد ساختاری حکومت جستجو کرد. ریشه‌ای که تا از عمق خاک ایران بیرون کشیده نشود، آینده و حال مردم این کشور پنهانور هر روز بحرانی تر خواهد شد. بخش عمده‌ای از پژوهشگران و ناظران بین‌المللی تأکید می‌کنند که ۷۰ تا ۸۰ درصد بحران کنونی در ایران ناشی از مدیریت غلط و سیاست‌های ناپایدار، فقدان شفافیت و فساد است. «بحران آب ایران، بحران نبود منابع نیست، بحران تصمیم‌هایی است که زمین را تشنه‌تر و آینده را تیره‌تر کرده‌اند. این بحران در کنار تنزل اعتماد عمومی به حکومت، نشانه‌ای از ضعف ساختاری و مدیریتی است.» (نیوز ویک- اول اوت ۲۰۲۵، تایمز - ۸ دسامبر ۲۰۲۲ و رویترز - ۲۷ آوریل ۲۰۲۱)

گزارش‌های میدانی از مناطق مختلف پایتخت حاکی از افت شدید فشار آب است؛ به گونه‌ای که حتی طبقات اول ساختمان‌ها نیز از دسترسی به آب شرب بی‌بهره مانده‌اند. شرکت آب منطقه‌ای تهران در بیانیه‌ای از مردم خواسته است تا برای «تقویت فشار آب» از پمپ و مخزن خانگی استفاده کنند و بار تأمین آب را بر دوش مردم می‌گذارد در حالی که اغلب مردم تمکن مالی برای تهیه مخزن، پمپ و تجهیزات جانبی را ندارند. (ابتکار - ۳۰ تیر ۱۴۰۴) رضا حاجی کریم، رییس فدراسیون آب اعتراف می‌کند: «روز صفر آب تهران، یعنی روزی که آب ساختمان‌ها کاملاً قطع باشد، خیلی وقت است فرا رسیده است علیرغم این که رکورد فرونشست جهان را به‌خاطر برداشت بی‌رویه از منابع زیرزمینی داریم.» (جهان صنعت - ۱۵ مرداد ۱۴۰۴)

۲. تصویری از بحران

سیاست‌های مخرب رژیم آخوندی، از جمله سدسازی بی‌رویه، غارت منابع آبی توسط نهادهایی مانند سپاه پاسداران، انتقال تبعیض آمیز آب بین مناطق، و بی‌توجهی عامدانه به هشدارهای علمی، کشور را به لبه پرتگاه رسانده است. پیش‌بینی‌هایی نظیر «تبدیل ایران به بیابان مطلق در ۳۰ سال آینده» آینده‌ای تیره را ترسیم می‌کنند که با افت شدید ذخایر سدها، نابودی تالاب‌ها، آلودگی منابع، و فروپاشی اکوسیستم‌ها همراه است.

گزارش‌های سایت‌های وابسته به رژیم از جمله سایت شبکه شرق ۲۵ اسفند ۱۴۰۳، نشان می‌دهند که خشکسالی شدید در سال ۱۴۰۴ زندگی میلیون‌ها نفر را مختل کرده است. این گزارش با عنوان «تابستان ۱۴۰۴ ایران و بحران خشک‌سالی فزاینده و بحران بی‌آبی» تأکید می‌کند که بسیاری از مناطق ایران، به‌ویژه نواحی مرکزی و جنوبی، با قطعی‌های طولانی مدت آب مواجه شده‌اند و کشاورزان به دلیل خشک شدن چاه‌ها و رودخانه‌ها، قادر به کشت محصولات خود نیستند. این وضعیت نه تنها معیشت روستاییان را نابود کرد، بلکه مهاجرت گسترده به شهرها را به دنبال داشته و فشار مضاعفی بر زیرساخت‌های شهری وارد می‌کند.



سد امیرکبیر تهران

“کل تهران و البرز با ۲۰ میلیون جمعیت در این محدوده در معرض بیشترین تنش آبی قرار دارند. تصویری از سد امیرکبیر تهران گویای این واقعیت تلخ است.”

بنا به اعتراف عیسی بزرگ‌زاده سخنگوی صنعت آب رژیم، کل تهران و البرز با ۲۰ میلیون نفر جمعیت در این محدوده در معرض بیشترین تنش آبی قرار دارند. (خبرگزاری ایسنا - ۳۰ تیر ۱۴۰۴) علی مرادی کارشناس انرژی می‌گوید: این مسأله محدود به تهران نیست بلکه اکثر استان‌های کشور مانند؛ خراسان، مرکزی، هرمزگان، سیستان و بلوچستان و... را نیز شامل می‌شود و کشور در شرایط بحرانی قرار دارد. (آرمان ملی - ۲۹ تیر ۱۴۰۴)

سایت دیده بان ایران در اول مرداد ۱۴۰۴ از تنش آبی برای ۵۰ درصد جمعیت شهری در ۲۴ استان خبر داد. خبرگزاری برنا ۲۸ آبان ۱۴۰۳، اعلام کرد که براساس داده‌های سازمان هواشناسی ایران، تقریباً کل کشور تحت تأثیر خشکسالی قرار گرفته است. طبق گفته‌های ناسا، ایران از ۸ سال پیش وارد دوره ۳۰ سال خشکسالی شده است. شدت خشکسالی در ایران به حدی است که کشاورزی ایران به کل نابود و ایران تبدیل به واردکننده محض محصولات زراعی خواهد شد. (اعتماد - ۲۶ شهریور ۱۴۰۴)

این زن‌ها هستند که از صبح که بیدار می‌شوند تا شب باید مشکل کم‌آبی را مدیریت کنند. تنش‌های روانی ناشی از قطعی مکرر آب، صف‌های طولانی در مقابل تانکرها، پایین آمدن بهداشت کودکان و خود زنان، افزایش هزینه‌های مصرف آب، فرصت‌های یادگیری، سلامت و فراغت را از آنان می‌گیرد و زمینه‌ساز بروز افسردگی، اضطراب‌های مزمن و افزایش تنش‌های خانوادگی و بروز خشونت می‌شود.

۳-۱. مسائل بهداشتی و بیماری‌های ناشی از بی‌آبی

عدم دسترسی به حقوق اولیه‌ای مانند برخورداری از آب سالم، بر بهداشت و سلامت تأثیر مستقیم دارد به خصوص که بهداشت زنان در جامعه تابو تلقی شده و زنان در شرایط بی‌آبی نمی‌توانند مشکلات خود را به راحتی بیان و حل کنند و با توجه به حجم مشغله‌ها، سلامت خود زنان در آخرین اولویت قرار می‌گیرد. مرضیه، ۳۲ ساله از چابهار می‌گوید: شهرستان‌های کنارک و چابهار با وجود اینکه موقعیت ساحلی دارند، اما منابع آب شیرین برای این مناطق تأمین نمی‌شود. ما مجبور می‌شویم در امور خانگی مثل شست‌وشوی لباس‌ها و ظرف‌ها و حتی برای حمام و سرویس بهداشتی از آب شور و سنگین استفاده کنیم. من دیدم که خیلی از زن‌ها در منطقه ما بیماری‌های عفونی، سنگ کلیه و اختلال دستگاه گوارش دارند. (رادیو زمانه - ۱۳ آذر ۱۴۰۳)

سالومه از گمیشان، شهری در شمال ایران که به خاطر ماهیگیری و فروش خاویار، یک جاذبه توریستی نیز محسوب می‌شد، می‌گوید: ما هیچ وقت توی این شهر آب تصفیه شده نداشتیم. آب گمیشان همیشه شور بوده. زحمت مدیریت آب آشامیدنی هم همیشه با زن‌ها بوده است. من یادم هست چطور زن‌ها بچه‌ها را با چادر به پشتشان می‌بستند و از تانکرها آب می‌آوردند. بیماری‌های زنان و مثانه در این شهر زیاد است اما امکانات پزشکی کافی نیست چون شهر کلا خیلی محروم نگه داشته شده است. (رادیو زمانه - ۱۳ آذر ۱۴۰۳)

علاوه بر این، زنان برای دسترسی به آب مورد نیاز اغلب باید مسیرهای سخت و صعب‌العبور را پشت سر بگذارند. راه‌هایی که آنها را در معرض خطر حمله حیوانات وحشی، تجاوز و نهایتاً مشکلات اسکلتی قرار می‌دهد. (روزنامه محلی پیام ما ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲)

۳-۲. صف‌های طولانی و کولبری آب

وقتی آب نباشد، زنان و کودکان به خصوص دختر بچه‌ها با وجود بنیه ضعیف خود ناچار می‌شوند برای آوردن آب از چشمه‌ها و چاه‌های آب و هوتک‌ها راهی شوند که در موارد بسیاری به دلیل حمله گاندو یا غرق شدن در هوتک‌ها، جان خود را از دست داده‌اند. در سیستان و بلوچستان شمار زیادی از زنان با کم‌خونی، کمبود ویتامین دی و... مواجهند و طبیعتاً مشکلات مفصلی در این مناطق بسیار زیاد است. در این شرایط موضوع آوردن آب برای خانواده به علت طی مسیرهای طولانی با بار سنگین به این مشکلات دامن می‌زند. (جامعه ۲۴ - ۹ مرداد ۱۴۰۰)

الناز، زن بلوچ ۳۶ ساله می‌گوید به دفعات اتفاق می‌افتد که در نیکشهر و توابع آن، آب مصرفی برای چند روز قطع می‌شود و تانکرها حامل آب آشامیدنی به این مناطق می‌روند و مردم مجبورند از این تانکرها آب بخرند اما حتی آب تانکرها هم از نظر بهداشتی کیفیت مناسبی ندارند. خیلی وقت‌ها برای تأمین آب آشامیدنی، مجبور می‌شوند به چشمه‌ها یا منابع آب دورتر بروند، که این خودش وقت زیادی از آنها می‌گیرد و به دردهای مفصلی منجر می‌شود و باعث می‌شود زنان وقت کمتری برای بقیه فعالیت‌ها از جمله مراقبت از بچه‌ها داشته باشند. (رادیو زمانه - ۱۳ آذر ۱۴۰۳)

در خوزستان، بی‌آبی غیرقابل تحمل شده است. گرمای طاقت‌فرسای ۵۰ درجه، کمبود آب شرب، و شوری رودخانه‌ها زندگی را برای مردم این منطقه به جهنمی واقعی تبدیل کرده است. زنان و کودکان مجبورند ساعت‌ها در صف‌های طولانی آب بایستند تا بتوانند قابلمه‌ها و بشکه‌های خود را از تانکرها آبرسانی پر کنند. ویدئوهای منتشر شده از روستاهایی مانند «ابوعقاب» در آبادان، صحنه‌هایی تکان‌دهنده از کودکان خردسال

را نشان می‌دهد که با بشکه‌های آب در دست، به دنبال تانکرها می‌دوند. (مزرعه سبز ۵ - مرداد ۱۴۰۴)

۳-۳. بی‌آبی و خشونت علیه زنان

علاوه بر همه مشکلات خانه، نبود آب موجب کسادی و تعطیلی کسب و کارها و مشکل معیشتی می‌شود. فقر نیز موجب افزایش کودک‌همسری و خشونت‌های نهفته در آن، و به تبع آن ایجاد انواع آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌شود. در حالی که می‌دانیم، یکی از مهم‌ترین دلایل خشونت علیه زنان، فقر است. (جامعه ۲۴ - ۹ مرداد ۱۴۰۰) سالومه می‌گوید: به خاطر بدتر شدن وضعیت اقتصادی شهر، سطح آموزش و بهداشت هم پایین آمده و ازدواج کودکان زیاد شده است. خب ببینید چقدر سخت است یک بچه پانزده - شانزده ساله که ازدواج کرده بخواهد بحران آب را در امور روزمره مدیریت کند، باردار شود، زایمان کند و از نوزاد در این وضعیت مراقبت کند. (رادیو زمانه - ۲۶ مهر ۱۴۰۳)

این پدیده را به وفور می‌توان در نقاط کم‌آب ایران، به‌ویژه روستاهای سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، مشاهده کرد. بازماندگی از تحصیل، ازدواج در سن پایین یا ازدواج با اجبار خانواده، افت مراقبت‌های مرتبط با بهداشت و سلامتی و... در بحران آب تشدید می‌شوند. (سایت بهره‌وری - ۲۷ آذر ۱۴۰۳)



۳. رنجی که برای زنان مضاعف است

فاجعه بی‌آبی پیامدهای عمیق اجتماعی و اقتصادی را به دنبال دارد که زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده است. قطعی‌های طولانی و بی‌برنامه آب، زندگی روستاییان را فلج کرده؛ کشاورزی نابود شده، دام‌ها تشنه‌اند، و خانواده‌ها حتی آب شرب هم ندارند.

نشانه‌های بی‌آبی در روابط خانوادگی، اقتصاد خانوار، سلامت جسمی و روانی و حتی گسترش مهاجرت‌های داخلی بروز می‌کند. با توجه به مسئولیت‌های سنتی زنان، مانند مراقبت از نوزاد یا نگهداری از سالمندان، تهیه غذا، نظافت و بهداشت منزل و رسیدگی به باغ و حیوانات، بیشترین استرس نیز نصیب آنان می‌شود.

۳-۴. از دست رفتن فرصت های تحصیل و اشتغال

فرهنگ غالب در حکومت آخوندی که مرد را رئیس خانواده و «تامین کننده» و زن را محتاج و «تامین شونده» به ثبت داده، زنان را در بحران آب هرچه آسیب پذیرتر کرده است. در این فرهنگ به نقش پررنگ زنان در اقتصاد غیررسمی خانواده، در بخش های خانگی و کشاورزی و دامداری توجهی نمی شود. زنان زمان و توان خود را با جمع آوری و ذخیره آب و مواد اولیه و پخت و پز صرف تامین غذا و بهداشت خانواده می کنند. اما مرد است که امکان حضور در بازار و به رسمیت شناخته شدن و اشتغال و دستمزد را پیدا می کند. در حقیقت زنان با دور شدن از فرصت های کسب آموزش و ورود به چرخه اقتصاد به چرخه فقر نزدیک تر می شوند. (سایت بهره وری - ۲۷ آذر ۱۴۰۳)



۳-۵. بازتولید فقر زنانه و آسیب های اجتماعی

در ایران، به خصوص در جنوب و جنوب شرقی، روستاهای بسیاری لوله کشی آب شرب ندارند و با بحران شدید کم آبی و خشکسالی دست و پنجه نرم می کنند. آب به میزان کم موجود و بعضا خریدنی است. این مساله چرخه فقر را بازتولید می کند. بایر گذاشتن زمین های کشاورزی به دلیل کم آبی، وضعیت اشتغال و اقتصاد خانواده را تحت تاثیر قرار می دهد. عده ای از مردان به دنبال کار مجبور به مهاجرت فصلی می شوند و زنان و

۹. مهاجرت اجباری به حاشیه شهر
۸. گسترش فقر زنانه
۷. از دست دادن فرصت های تحصیل و اشتغال
۶. خشونت خانگی بیشتر
۵. قرار گرفتن در خطر حمله حیوانات وحشی و کاندو
۴. مشکلات مفصلی و اسکلتی
۳. بیماری های عفونی، سنگ کلیه، مسمومیت، بیماری های پوستی و تنفسی
۲. محرومیت از بهداشت و بیماری
۱. استرسی و نگرانی

زنان در حالی که مسئول تامین سلامت و بهداشت و غذای سایر اعضا خانواده هستند، خودشان بیش از همه، از بی آبی صدمه می بینند.

۳-۶. مهاجرت اجباری و حاشیه نشینی

یکی از بارزترین پیامدهای اجتماعی بحران آب، مهاجرت گسترده از مناطق روستایی به شهرها است. خشک شدن چاه ها و رودخانه ها در استان هایی مانند خوزستان، سیستان و بلوچستان و فارس، کشاورزان را مجبور به ترک زمین های خود کرد. این مهاجرت های اجباری، که اغلب به حاشیه شهرهای بزرگ مانند تهران، مشهد و اصفهان منتهی شده، به گسترش حاشیه نشینی و افزایش فقر منجر شده است. حاشیه نشینان، که از دسترسی به خدمات اولیه مانند آب آشامیدنی سالم محروم اند، با شرایط زندگی غیرانسانی مواجه شده اند. رژیم نه تنها برنامه ای برای مدیریت این مهاجرت ها ارائه نکرده، بلکه به سرکوب اعتراضات آنها می پردازد. (ایران پدیا - ۲ می ۲۰۲۵)

فرزندان خانواده با هزار مساله در روستای بی آب تنها می مانند. این زنان عمدتاً به دلیل فقر و شرایط اجتماعی، کم سواد و فاقد شغل رسمی با حقوق و دستمزد برای تامین پایدار معیشت خود و خانواده هستند. (سایت بهره وری - ۲۷ آذر ۱۴۰۳)

بحران آب از دو نظر به زنان آسیب زده. یکی اینکه مدیریت بحران آب کلاً با زن ها هست و این کار به خودی خود سخت است. اما به خاطر بحران اقتصادی و کوچ بیشتر مرد ها، زنان مجبورند با کارهای خردی مانند سوزن دوزی در آمد ناچیزی هم داشته باشند که فشار را بر آنان صد چندان می کند. این در حالی است که دلالتان جنس را از این زن ها ارزان می خرنند و در تهران چند برابر می فروشند و بیشتر زنان هم قدرت چانه زنی را ندارند چون حتی زبان فارسی را به خوبی نمی دانند. (رادیو زمانه - ۲۶ مهر ۱۴۰۳)

این تنگناها در مواردی انسان ها را به انتخاب هایی وا می دارد که دلشان نمی خواهد. لذا بی آبی می تواند به آسیب های اجتماعی از جمله تکدی گری نیز دامن بزند. (جامعه ۲۴ - ۹ مرداد ۱۴۰۰ و روزنامه محلی پیام ما ۱۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲)



۴. فروپاشی کشاورزی و ناامنی غذایی

بحران آب به طور مستقیم معیشت میلیون ها کشاورز ایرانی را نابود کرده و امنیت غذایی کشور را به خطر انداخته است. خبرگزاری برنا ۲۸ آذر ۱۴۰۳ گزارش می دهد که خشکسالی گسترده در سال ۱۴۰۴، تولید محصولات کشاورزی را در بسیاری از مناطق به صفر رسانده است. این وضعیت به ویژه در مناطقی مانند خوزستان، که زمانی «انبار غله ایران» نامیده می شد، فاجعه بار بوده است. کشاورزان، که به دلیل بی آبی قادر به کشت نبودند، با بدهی های سنگین و فقر مطلق مواجه شده اند. کاهش تولید محصولات کشاورزی نه تنها قیمت مواد غذایی را افزایش داده، بلکه ایران را به وارد کننده عمده غلات تبدیل کرده است.

۵. افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی

بحران آب نابرابری های اجتماعی را در ایران تشدید کرده و شکاف طبقاتی را هر چه عمیق تر می کند. در حالی که مردم عادی در مناطق محروم با کمبود آب آشامیدنی دست و پنجه نرم می کنند، وابستگان رژیم و افراد ثروتمند با دسترسی به منابع خصوصی مانند چاه های عمیق یا خرید آب با قیمت های بالا، کماکان در رفاه زندگی می کنند. این نابرابری در تهران نیز مشهود است؛ مناطق مرفه نشین شمال شهر با تانکرهای خصوصی آب تأمین می شوند، در حالی که جنوب شهر با جیره بندی شدید مواجه است. رژیم، که خود این نابرابری را با سیاست های تبعیض آمیز دامن زده، هیچ اقدامی برای توزیع عادلانه منابع انجام نداده و به جای آن، به سرکوب صدای محرومان پرداخته است. (ایران پدیا - ۲ می ۲۰۲۵)



ناشیه نشینان از دسترسی به خدمات اولیه مانند آب آشامیدنی سالم محروم اند



قیمت آب در برخی مناطق ایران، به دو تا سه برابر نرخ قبلی رسیده است. این افزایش قیمت بیشتر از آنکه بازدارنده باشد، برای مصرف کنندگان خانگی بار روانی و اقتصادی ایجاد کرده است. به گفته محمد امامی کورنده، حقوق دان، زمانی که یارانه ها به سمت هدفمندی رفت، حامل های انرژی مدنظر قرار گرفتند: آب، گاز، برق و هر آنچه به عنوان انرژی شناخته می شود. هدف این بود که دولت یارانه این حامل ها را پرداخت نکند و بهای واقعی یا هزینه ای را که برای تأمین این حامل ها پرداخت می شود، از مردم دریافت کند. در ازای آن، درآمد اضافی حاصل از قبوض دریافتی از مردم باید صرف حمایت از اقشار آسیب پذیر، کم درآمد و محروم جامعه می شد، یعنی در حقیقت همان یارانه های پرداختی به مردم. بنای این اقدام، موجب بسیاری از تبعیض ها و نابسامانی ها شد. تا جایی که اکنون، یارانه بگیری که قرار بود کل جمعیت کشور در آن سال ها در حدود ۵۰ تا ۷۰ میلیون نفر را شامل شوند،

اکنون به کمتر از ۲۰ میلیون نفر رسیده اند. در واقع دولت به بهانه هدفمندی یارانه ها و رسیدگی به محرومان، بیش از ۶۰ یا حتی حدود ۸۰ درصد جمعیت کشور را از روند قانونی شده دریافت حق یارانه حذف کرده و تمام حامل ها را با نرخ آزاد عرضه می کند. در نتیجه هم هزینه ها بالا رفته، هم دریافتی دولت بسیار افزایش یافته است و از همه مهم تر، هر سال که دولت با کسری بودجه مواجه می شود، شاهد آن هستیم که عده ای دیگر از همین یارانه بگیران را به راحتی و با بهانه های واهی حذف می کند. دولت هر ساله همراه با نرخ تورم یا حتی سریع تر از آن، بهای قبوض آب، برق، گاز و سایر حامل ها را چند برابر افزایش می دهد. سازمان آب، طی یک سال گذشته تاکنون فشار آب را به یک دهم کاهش داده که این یعنی محرومیت مردم از دسترسی طبیعی به آبی که بابتش پول زیادی هم پرداخت می کنند. (جهان صنعت - ۲۸ تیر ۱۴۰۴)

۶. تهدید سلامت عمومی و شیوع بیماری‌ها

کمبود آب پاکیزه پیامدهای جدی بر سلامت عمومی داشته و خطر شیوع بیماری‌ها را افزایش داده است. گزارش یورو نیوز - ۱۳ مارس ۲۰۲۵ با عنوان «زمستان سخت ایران گذشت؛ آیا بحران بی‌آبی در تابستان گریبانگیر مردم می‌شود؟» به مشکلات بهداشتی در خوزستان اشاره دارد، جایی که مردم به دلیل نبود آب سالم به استفاده از منابع آلوده روی آورده‌اند. این وضعیت به افزایش اسهال و عفونت‌های گوارشی، منجر شده است.

در شمال غربی بخش زیادی از دریاچه زیبای ارومیه به نم‌زار تبدیل شده است. نمکی که از این دریاچه بر می‌خیزد تا هزاران کیلومتر دورتر منتقل می‌شود و به شمال شرق کشور خواهد رسید. طبق داده‌های موجود و مطالعاتی که سال‌ها پیش توسط کارشناسان محیط‌زیستی غربی انجام شد، این ذرات می‌توانند موجب شیوع بیماری‌های تنفسی، قلبی، کلیوی و اختلالات سیستم ایمنی شوند و دامنه آثار آن به فراتر از استان‌های آذربایجان، کردستان، زنجان و حتی کشورهای همسایه

می‌رسد و البته که طبق مطالعات دانشگاه علوم پزشکی تبریز، بخشی از این بیماری‌ها هم‌اکنون نیز نمایان شده است. (روزنامه جهان صنعت - ۳۱ تیر ۱۴۰۴)
عیسی کلانتری، رییس سابق سازمان حفاظت از محیط‌زیست سال گذشته اعتراف کرده بود: «در سال ۹۴ یک‌سری بیماری پوستی و فشاری خون برای شهروندان اتفاق افتاد که از مخاطرات خشک شدن دریاچه است.» (روزنامه جهان صنعت - ۳۱ تیر ۱۴۰۴)



دریاچه ارومیه قبل و بعد از خشک شدن

نمکی که از دریاچه خشک شده ارومیه بر می‌خیزد می‌تواند موجب شیوع بیماری‌های تنفسی، قلبی، کلیوی و اختلالات سیستم ایمنی شوند و دامنه آثار آن به فراتر از استان‌های آذربایجان، کردستان، زنجان و حتی کشورهای همسایه می‌رسد.

۷. زنان در صف اول اعتراضات مردمی

کمبود آب به‌عنوان یک عامل محرک، تنش‌های اجتماعی را در ایران به سطح بی‌سابقه‌ای گسترش داده است. حضور گسترده زنان در این اعتراضات قابل توجه است. اعتراضات گسترده در خوزستان در سال‌های اخیر که به دلیل بی‌آبی و خشک شدن تالاب‌ها شکل گرفت، در تابستان ۱۴۰۴ نیز ادامه یافت. رژیم به جای حل مشکل، معترضان را «اغتشاشگر» نامید و با استفاده از نیروی نظامی، ده‌ها نفر را کشت یا بازداشت کرد. (یورو نیوز - ۱۳ مارس ۲۰۲۵)

اعتراضات مشابهی از ماه‌های می تا اوت ۲۰۲۵ در شهرهای مختلف ایران از جمله شهرکرد، استان‌های جنوبی و مرکزی رخ داد، شعارهایی مانند «آب، برق، زندگی؛ حق مسلم ماست» شنیده می‌شد. (ویکی پدیا - ۱۱ اوت ۲۰۲۵)

در تهران نیز، مردم نسیم‌شهر روز ۳۰ تیر به‌خاطر بی‌آبی و ۳ روز قطعی کامل آب در گرمای سوزان تیرماه به خیابان آمدند.

همچنین در اول و دوم مرداد تهران و اسلامشهر شاهد اعتراضات ضدحکومتی در واکنش به قطع آب و برق بود. در تهران، اول مرداد، معترضان در برخی از مناطق تهران با شعارهای «مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» و «مرگ بر دیکتاتور» خشم خود را از وضعیت فاجعه‌بار کشور ابراز کردند. در اسلامشهر نیز در دوم مرداد، شعار «مرگ بر خامنه‌ای» در پاسخ به قطع مکرر برق، طنین انداز شد در همین روز اعتراضات مشابهی در مرودشت و تربت‌جام گزارش شده است.

روز جمعه ۳ مرداد، اهالی برزنون نیشابور نیز در پی بی‌آبی مداوم دست به اعتراض زده و جاده را مسدود کردند. روستائیان می‌گویند اگر آب نیست، اگر پاسخی از سوی مقامات رژیم نیست، پس راه هم نباید باز باشد! (دبیرخانه شورای ملی مقاومت ۴ مرداد ۱۴۰۴)

کلام آخر

بحرانی که امروز تحت عنوان ناترازی انرژی شناخته می‌شود، نه ناگهانی است، نه محصول تغییرات اقلیمی بلکه حاصل انباشتی از فساد و سیاست‌های ضدمردمی است که سرشته شده با طبیعت یک دیکتاتوری مذهبی است. بحران آب نیز، یکی دیگر از بیشمار دلایل بی‌ثباتی سیاسی و عدم مشروعیت حکومت آخوندی است.

کاوه مدنی؛ رییس موسسه آب، محیط‌زیست و سلامت دانشگاه سازمان ملل متحد می‌گوید: اگر به کشورمان توجه کنیم داریم نشانه‌های یک مرض صعب‌العلاج یا یک عفونت شدید یا یک سرطان را در بخش‌های مختلف می‌بینیم. یعنی یک روز نمی‌توانیم نفس بکشیم، دغدغه‌مان آلودگی هوای تهران است، یک روز گرد و غبار، یک روز وضعیت آب، یک روز وضعیت یک نهاد آموزشی، یک روز وضعیت قیمت دلار و اقتصاد است، یک روز بورس، یک روز صنعت و ما اگر نگاه بکنیم علایم بحران در همه بخش‌ها دارند بروز پیدا می‌کنند. خیلی از اینها ریشه‌های مشترک دارند. ما باید اعتراف به شکست کنیم. (اعتماد - ۴ مرداد ۱۴۰۴)

اعتراضات مکرر در خوزستان، اصفهان و دیگر استان‌های کشور، که به دلیل بی‌آبی شکل گرفته‌اند، نشان‌دهنده خشم فزاینده مردم از ناکارآمدی رژیم است. سرکوب این اعتراضات، که به کشته شدن معترضان منجر شده، به خشم مردم دامن زده و پایه‌های قدرت را متزلزل تر می‌کند. نشانه‌های یک قیام سراسری تا براندازی این رژیم نامشروع همه جا دیده می‌شود. اما آن چه که به جامعه جهانی و وجدان‌های بیدار مربوط می‌شود کمک به مردم ایران در این امر خطیر است. به رسمیت شناختن آلترا تاتو سازمان یافته مردم ایران که ده‌ها سال برای آزادی ایران مبارزه کرده است، نه تنها رهایی هر چه سریع‌تر مردم ایران از دیکتاتوری را رقم می‌زند بلکه برای جهان آزاد نیز صلح و دوستی را به ارمغان خواهد آورد.

ضمیمه:

۱. ابعاد بحران آب در ایران دریاچه ها محو می‌شوند

روز ۱۶ شهریور ۱۴۰۴ روزنامه دنیای اقتصاد نوشت:

دریاچه ارومیه به طور کامل خشک شد! بر اساس جدیدترین تصویر ناسا از دریاچه ارومیه، نگین آبی شمال غرب ایران به طور کامل خشک شده و دیگر اثری از یک دریاچه در تصویر هوایی دیده نمی‌شود. در ابتدای تابستان نیز مدیران کل محیط زیست درباره خشکی کامل و ۱۰۰ درصدی دریاچه ارومیه تا پایان تابستان هشدار داده بودند. دریاچه ارومیه، در شمال غربی ایران، بزرگ‌ترین دریاچه خاورمیانه بود و دست کم ۵۲۰۰ متر مربع مساحت داشت. علاوه بر دریاچه ارومیه، دریاچه بختگان، دومین دریاچه بزرگ ایران در استان فارس نیز با کاهش آب و خشکی دست و پنجه نرم می‌کند. این دریاچه به دلیل تنوع گونه‌های حیاتی و پرندگان، جذابیت زیادی دارد. دلایلی همچون ساخت سدهای درودزن، سیوند و

ملاصدرا در بالادست رودخانه‌های کر و سیوند از دلایل اصلی خشکی این دریاچه هستند. دریاچه هامون، در استان سیستان و بلوچستان نیز با خشکی و کاهش سطح آب روبروست. این دریاچه از لحاظ اقتصادی برای مردم منطقه اهمیت زیادی دارد؛ زیرا ماهیگیری و کشاورزی در اطراف آن انجام می‌شود و برخی از مردم بومی از منابع دریاچه برای تأمین نیازهای خود استفاده می‌کنند. (قطره - مهمترین دلایل خشک شدن دریاچه های ایران) در سایه فساد حکومتی حتی دریای خزر هم رو به خشکی می‌رود. سطح آب دریای خزر در ۲۰ سال گذشته ۲ متر کاهش یافته است. (خبرآنلاین ۲۰ بهمن ۱۴۰۳)



دریاچه مهارلو

دریاچه ارومیه



رودخانه ها می میرند

وضعیت رودخانه های ایران نیز بهتر نیست. سایت آفتاب ۱۳ تیر ۱۴۰۱ نوشت: «خروشان ترین رودخانه های ایران خشک شدند | وضعیت منابع آب کشور خطرناک شد». کارون پرآب ترین و بلندترین رودخانه ایران خشکید. سفیدرود دومین رودخانه بلند ایران و پرآب ترین رودخانه استان گیلان که آب بیشتر از ۱۷۰ هزار هکتار شالیزارهای برنج را تأمین می کرد، به احتضار افتاده است. تصویر ماهی های خشکیده بر بستر تفتیده و ترک خورده سومین رودخانه خروشان ایران یعنی کرخه منتشر می شود و رود پرآب دز که از کوه های زاگرس سرازیر می شد، نفس های آخر را می کشد و برای اولین بار در تاریخ به طور کامل خشکیده است. رودخانه کشکان لرستان، رودخانه پرآب چالوس، رود ارس و هیرمند که به رود وحشی معروف بود، همه و همه خشکیده اند. هدایت فهمی، مدیرکل سابق منابع آب وزارت نیرو می گوید که در ایران مدیریت فاجعه بار، منابع آب را به تغییرات اقلیمی تقلیل می دهند تا از قصور خود فرار کنند.

تالاب های محزون

یکی دیگر از ابعاد هولناک بحران آب، نابودی تالاب ها و اکوسیستم های آبی ایران است که نقش حیاتی در تعادل زیست محیطی دارند. گزارش شبکه شرق ۲۵ اسفند ۱۴۰۳ به خشک شدن تالاب هایی مانند هورالعظیم در خوزستان و گاوخونی در اصفهان اشاره دارد. این تالاب ها، که زمانی پناهگاه گونه های متنوع گیاهی و جانوری بودند، به دلیل سدسازی بی رویه و انحراف آب توسط رژیم به زمین هایی بایر تبدیل شده اند. سدهای زنجیره ای بر روی زاینده رود، که برای تأمین آب پروژه های صنعتی و کشاورزی وابسته به رژیم احداث شدند، تالاب گاوخونی را خشک کردند و گردوغبار ناشی از آن، سلامت ساکنان منطقه را تهدید می کند. (ایران پدیا - ۲ می ۲۰۲۵)



رود کارون



تالاب مازندران



رودخانه کشکان لرستان



تالاب گاوخونی



سد های بی آب

وضعیت سدها، فصل دیگری از داستان غم انگیز آب ایران است. آب پشت سدهای ایران، با سرعت ۳ برابر میانگین جهانی در حال تبخیر است. (ابتکار - ۳۰ تیر ۱۴۰۴)

خبرگزاری حکومتی مهر زیر عنوان «۶۴ درصد سدهای کشور خالی است» نوشت: بررسی موجودی سدهای کشور نشان می‌دهد سدهایی نظیر سدهای استان تهران، خراسان رضوی، قم، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، گلستان، خراسان جنوبی، زنجان، کرمان، فارس و مرکزی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. (مهر - ۳۰ شهریور ۱۴۰۴)

حجم آب موجود در سدهای کشور نسبت به سال قبل ۲۵ درصد کمتر است. سد امیرکبیر تا ۲۹ شهریور ماه، ۳۰ میلیون متر مکعب آب در خود ذخیره کرده که ۱۷ درصد پرشدگی را نشان می‌دهد و نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۳ درصد کاهش یافته است. سد لار با ۲۴ میلیون متر مکعب آب تنها ۳ درصد پرشدگی دارد که ۴۳ درصد کمتر از سال گذشته است. (ایلنا - ۳۰ شهریور ۱۴۰۴)

محمدابراهیم رئیسی، کارشناس انرژی در مورد مشکل بحران آب در تهران گفت: احتمال خروج سد ماملو از مدار وجود دارد اگر سد ماملو از مدار خارج شود، سدهای لتیان، لار و کرج نیز از مدار خارج می‌شوند. (ستاره صبح - ۴ تیر ۱۴۰۴)

در این میان، استان هرمزگان بیشترین آسیب را متحمل شده و سد شمیل و نیان این استان با کاهش ۹۸ درصدی نسبت به سال گذشته، وخیم‌ترین وضعیت را دارد. این سد در گذشته نقش مهمی در تامین آب جنوب کشور ایفا می‌کرد. سد استقلال این استان نیز با ۷۶ درصد کاهش روبروست. (هم میهن - ۳۰ تیر ۱۴۰۴)



سد تهران



فرونشست زمین و تأثیر بر زیرساخت‌ها

مطالعه‌ای منتشر شده در سال ۲۰۲۴ نشان داده است که استخراج بی‌رویه از منابع زیرزمینی باعث فرونشست گسترده زمین شده است؛ در برخی مناطق نرخ فرونشست بیش از ۱۰ سانتی‌متر در سال است و ۳.۵ درصد از خاک ایران را تحت تأثیر قرار داده است. نرخ فرونشست در برخی مناطق از بالاترین‌ها در جهان محسوب می‌شود. این وضعیت آسیب‌پذیری زیرساخت‌هایی مانند فرودگاه‌ها و راه‌ها را افزایش داده است. (گاردین - ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴)

رسانه حکومتی آرمان ملی نیز در تاریخ ۲۹ تیر ۱۴۰۴ گزارش داد که ۳۰ استان به دلیل برداشت آب سفره‌های زیرزمینی با فرونشست مواجه شده‌اند. علی‌مردادی، کارشناس انرژی می‌گوید: بیش از ۶۰ درصد تأمین آب کشور از منابع زیرزمینی صورت می‌گیرد، با نرخ برداشت سه برابر سرعت بازسازی طبیعی آنها.

۲. سوءمدیریت ساختاری و مافیای آب

باید گفت که سوءمدیریت برای توصیف عملکرد رژیم فاسد آخوندی کافی نیست. منابع حکومتی از اصطلاح «مافیای آب» استفاده می‌کنند. همه در ایران می‌دانند که این عبارت به شبکه‌ای از افراد و نهادهای وابسته به حکومت یعنی وزیران، پیمانکاران، نهادهای امنیتی و ... اطلاق می‌شود که پروژه‌های بزرگ آب‌بر را برای منافع سیاسی و اقتصادی پیش می‌برند، بدون آن‌که ملاحظات فنی و زیست‌محیطی را رعایت کنند. روزنامه حکومتی جهان صنعت نوشت: بحران کنونی «نه ناگهانی است، نه محصول تغییرات اقلیمی بلکه حاصل انباشتی از سوءمدیریت است.» (۴ مرداد ۱۴۰۴)

به نوشته حسین راغفر، کارشناس اقتصادی، «یکی از عوامل مهم بحران آب، اتخاذ سیاست‌های غلط یا غیراصولی بوده که به کشور تحمیل شده است. عامل دوم؛ طمع است که به بهانه‌های اقتصادی به منابع کشور دست‌درازی شده است. طی سال‌های بعد از جنگ و حتی در دهه اول انقلاب، برخی جایابی‌ها بدون توجه به اصول صورت گرفته است، مثل فولاد مبارکه در منطقه خشک اصفهان مستقر می‌شود و یا صدها کارخانه آب‌بر



خلاصه تاریخی

تبدیل کرده‌اند. این غارت سازمان‌یافته، پایه‌های بحران کنونی را بنا نهاد.

در دهه ۱۳۹۰، با شدت گرفتن تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی‌ها، هشدارهای کارشناسان محیط زیست درباره فروپاشی قریب‌الوقوع منابع آبی ایران افزایش یافت. با این حال، رژیم به جای اصلاح سیاست‌ها، به سرکوب صداهای منتقد و انکار واقعیت روی آورد. اعتراضات مردمی در خوزستان در سال ۱۴۰۰، که به دلیل بی‌آبی و خشک شدن هورالعظیم شکل گرفت، با خشونت سرکوب شد و هیچ راهکار اساسی برای حل مشکل ارائه نشد. این روند تا سال ۱۴۰۴ ادامه یافت. این پیشینه تاریخی نشان می‌دهد که بحران آب در ایران نه تنها نتیجه بی‌کفایتی حاکمیت، بلکه بخشی از استراتژی آن برای حفظ قدرت به قیمت نابودی منابع ملی بوده است. (ایران پدیا - ۲ می ۲۰۲۵)

در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰، رژیم ایران به بهانه خودکفایی اقتصادی و بازسازی پس از جنگ ایران و عراق، پروژه‌های عظیم سدسازی را بدون مطالعات زیست‌محیطی کافی آغاز کرد. به عنوان مثال، سد گتوند در خوزستان، که در سال ۱۳۹۰ افتتاح شد، به دلیل قرار گرفتن بر گنبدهای نمکی، آب رودخانه کارون را شور کرد و یکی از بزرگ‌ترین فجایع زیست‌محیطی ایران را رقم زد. این پروژه، که هزینه‌های هنگفتی از بودجه عمومی نیز صرف آن شد، نه تنها به کشاورزی منطقه کمک نکرد، بلکه تالاب‌های پایین‌دست را نابود نموده و زندگی میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داد.

نهادهای حکومتی، به‌ویژه سپاه پاسداران، از دهه ۱۳۸۰ به بعد با در دست گرفتن پروژه‌های عمرانی و کشاورزی، به برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی پرداختند. گزارش‌های متعدد از منابع مستقل نشان می‌دهند که شرکت‌های تحت کنترل سپاه با حفر چاه‌های غیرمجاز و انتقال آب به مناطق صنعتی وابسته به خود، دشت‌های حاصلخیز ایران را به زمین‌هایی خشک و غیرقابل کشت

محمد ابراهیم رئیسی، کارشناس انرژی نیز می‌گوید: «آب زیرزمینی نوعی پس‌انداز است. اما اکنون بیش از ۶۰ درصد از آب تهران از آب‌های زیرزمینی و چاه‌های حفر شده داخل شهر تامین می‌شود. اکنون میزان اضافه‌برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی کشور از ۱۳۰ میلیارد به حدود ۱۶۰ میلیارد متر مکعب رسیده است. (ستاره صبح - ۴ تیر ۱۴۰۴)

دیگر فاجعه بزرگی را برای کشور رقم زده است. ایجاد کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی در مناطق شرقی کشور و در مناطق غربی خشک کشور، اگر نگوییم خیانت، همه غیراصولی بوده است و متأسفانه کماکان هم این برنامه‌ها ادامه دارد. سدهای متعددی در کویرها ساخته شده و جاهایی که اصلاً قدرت تحمل حفظ آب را ندارد. (آرمان ملی - ۱ مرداد ۱۴۰۴)

مهدی اسمعیلی بیدهندی، استاد دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران می‌گوید: سدهای ما ناخواسته به افزایش میزان تبخیر کمک می‌کند. آب در گذشته جاری بود و با عبور از بستر رودخانه‌ها، منابع آب زیرزمینی ما را تغذیه می‌کرد. با ذخیره کردن آن پشت سدها، ظرفی را فراهم کردیم که دائم از آن تبخیر اتفاق می‌افتد و میزان تبخیر این آب از پشت سدها، به مراتب بیشتر از حالتی است که در گذشته، اگر در مسیر طبیعی خودش در رودخانه‌ای جاری بود، تبخیر از آن صورت می‌گرفت. (ابتکار - ۱۴۰۴)



و خشم مردم این مناطق را برانگیخته است. این تبعیض منطقه‌ای نشان‌دهنده اولویت‌بندی سیاسی رژیم بر نیازهای واقعی ملت است.

پروژه‌های بین‌حوضه‌ای، سدسازی بی‌رویه و انتقال آب به مناطق مرکزی، موجب شده منابع در اختیار نهادهای خاص و مراکز صنعتی-شهری قرار گیرد و مناطق محروم مانند خوزستان و سیستان و بلوچستان از این منابع محروم شوند. (سایت شورای آتلانتیک ۲۲ ژانویه ۲۰۲۴ و ویکی پدیا ۲۷ می ۲۰۲۵)

از سوی دیگر، فشار اقتصادی ناشی از افزایش بهای خدمات آبی یا تحمیل هزینه‌های تصفیه خانگی، بار مضاعفی بر دوش طبقات فرودست می‌گذارد و شکاف طبقاتی را عمیق‌تر می‌کند. (آرمان امروز- ۲۸ تیر ۱۴۰۴)

۴. تبعیض منطقه‌ای در توزیع آب

یکی از جنبه‌های مخرب سیاست‌های رژیم، پروژه‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای است که با هدف تأمین نیازهای مناطق مرکزی و صنعتی وابسته به رژیم اجرا شده‌اند. این پروژه‌ها، مانند انتقال آب از کارون به فلات مرکزی یا از دریای خزر به سمنان، نه تنها از نظر علمی و زیست‌محیطی توجیه‌پذیر نیستند، بلکه تبعیض آشکاری را بین مناطق مختلف ایران ایجاد کرده‌اند. مقاله «سوءمدیریت، تشدیدکننده بحران آب در ایران» در رادیو زمانه ۱۷ مرداد ۱۴۰۲ گزارش می‌دهد که این طرح‌ها، که اغلب توسط شرکت‌های وابسته به سپاه اجرا می‌شوند، منابع آبی استان‌های مرزی مانند خوزستان و گیلان را به نفع مناطق مورد علاقه رژیم غارت کرده‌اند. این سیاست‌ها، خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها را در مناطق مبدأ تسریع کرده



مهدی پیرهادی، رئیس کمیسیون سلامت، محیط‌زیست و خدمات شهری شورای شهر تهران نیز می‌گوید: «بیش از ۱۶۵ میلیون مترمکعب نشستی تنها از سد لار بوده است.» (هم‌میهن - ۳۰ تیر ۱۴۰۴)

رضا حاجی کریم، رییس فدراسیون آب اعتراف می‌کند: «در همین شرایط بحرانی هم در غرب و شرق تهران پروانه ساختمانی در حال صدور است.» (جهان صنعت - ۱۵ مرداد ۱۴۰۴)

۳. فرسودگی شبکه آب و هزر روی

سایت حکومتی اکو رسانه در ۲۴ تیر ۱۴۰۴ نوشت: «شبکه انتقال آب ایران فرسوده است و سرمایه‌گذاری کافی برای نوسازی آن انجام نشده... بحث‌هایی درباره وجود مافیای آب، به‌ویژه در مناطق بحرانی مانند اصفهان، مطرح شده که شفاف‌سازی درباره عملکرد آن‌ها صورت نگرفته است.»

محمد ابراهیم رئیسی، می‌گوید: «حدود ۷۱۵ میلیون متر مکعب از منابع آب به دلیل فرسودگی شبکه لوله‌کشی و ضعف در مدیریت زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری، اتلاف می‌شود.» (ستاره صبح - ۴ تیر ۱۴۰۴)

حسین ایمانی جاجرمی، کارشناس مسائل شهری می‌گوید: «رشد جمعیت تهران به واسطه مهاجرت از شهرهای مختلف در حالی ادامه دارد که منابع آب آن محدود و ناپایدار است.» (آرمان امروز - ۳۱ تیر ۱۴۰۴)

کاهش فشار آب باعث می‌شود تا در برخی خانه‌های طبقه اول یا دوم نیز افت فشار جدی حس شود، اما اگر فشار بالا برود، نشت شبکه به حدود ۸۰ میلیون مترمکعب در سال می‌رسد. برخی لوله‌ها ۵۰ تا ۷۰ سال قدمت دارند. (اعتماد - ۳۱ تیر ۱۴۰۴)



ابعاد جنسیتی بحران آب در ایران: پیامدها برای سلامت، معیشت و امنیت زنان

زنان ایران چگونه بار سنگین بحران را به دوش می کشند

از انتشارات کمیسیون زنان شورای ملی مقاومت ایران

مهر ماه ۱۴۰۴



wncri.org/fa



@womenncri



@womenncri



ISBN 978-2-35822-042-2



9 782358 220422 >